ح « حریف»

حاکمیت دوباره «امارت سیاه طالبی» میراث شوم دودهه تجاوزواشغال امپریالیست های امریکاوشرکا!؟..

آلمان – دسمبر ۲۰۲۱

قسمت دوم

واشنگتن مدعی است که درامر عمران، توسعه وبازسازی افغانستان ۱۴۸ ملیارد دالر را هزینه نموده که در واقعیت امر این مبلغ نزدیک به دو برابرهزینه« پلان مارشال» ازجانب امریکا برای بازسازی کشورهای اروپایی جنگزده، پس از جنگ جهانی دوم میباشد.جان ساپکو سربازرس کمک های امریکا برای افغانستان اظهار داشته که بخش بزرگ این کمک ها مورد حیف ومیل قرارگرفته وتغیرات محسوسی را درزندگی واقتصاد افغانستان به بار نیاورده است.

باید خاطرات نشان نمودکه ۱۸ درسد کمک ها ازطریق دولت افغانستان به مصرف رسیده ومتباقی به سازمانهای غیردولتی، ان جی او ها، موسسات وپیمان کارهای خصوصی پرداخته شده که هرگزپاسخگونبوده واز جانبی بخشی از کمک های پولی اصلن وارد افغانستان نشده است.ازجانبی پروژه های اقتصادی درچندین مرحله دست بدست شده که هرکدام سهم خودرا برداشته وهمراه با فساد گسترده وهمه شمول ، شامل حال خارجی ها وداخلی ها، بخصوص« ان جی او» ها، شرکت های پیمان کار، مهره های کلیدی دولت ، اعضای فاسد پارلمان وجنگ سالاران بوده ،کارهای نامکمل پروژه ها ازیک سال به سال دیگر انتقال وبا کیفیت پائین پایان یافته ویا اینکه اصلن تکمیل نشده است. مثال بزرگ آن احداث شاهراه های بی کیفیت میباشد که بخاطراعمارآن ملیارد ها دالرهزینه شده وبنابر دزدی وفسادگسترده ازیکطرف، اضافه وزن لاری های باربری وعدم کنترول ومراقبت ،بخش های عمده این سرک ها دوباره منهدم وبدتر از حالت اولی گردیداند. چنانچه همین اکنون افغانستان از داشتن بزرگ راه های متعارف محروم است.

دامنه وگسترده گی فساد در دولت به حدی ریشه دار ونیرومند گردید که چند سهم دار بزرگ یکی از بانک های بزرگ خصوصی بنام کابل بانک ، قریب به یک ملیارد دالر سرمایه نقد این بانک راحیف میل نموده که دولت نتوانست با ایجاد محکمه اختصاصی حتا بخش کوچک آنرا دوباره حصول نماید. به همین ترتیب مبارزه با فسادگسترده وهمه گیراداری با حفظ تاسیس ارگانهای پرهزینه حراست حقوقی هرگز موفق وتاثرگزارنبوده است.

طی این فساد وغارت گسترده پای نیروهای متجاوز واشغالگر نیز دخیل بوده است. بجاست دراین مقطع بالای اظهارات صریح خانم هیلری کلنتون وزیر خارجه ریس جمهور اوباما که دربرابر سوالات سناتوران درموردبی نتیجه بودن هزینه های هنگفت امریکا درجنگ وبازسازی افغانستان ارائه نموده بود، مکث نمائیم .هلیری کلنتون باصراخت گفت: « درمقابل هزینه هردالر درافغانستان، ۴ دالرازآنکشور بدست آورده ایم ...» همچنان نظامیان امریکایی معادل یک ترلیون دالرازمعادن لیتوم ویورانیم میهن ما، استخراج غیر قانونی نموده وبوسیله هواپیماهای غول پیکر ترانسپورتی به خارج از کشور ما انتقال داده اند.

افغانستان با داشتن ۷۵ ملیارد مترمکعب آب به حیث منبع بزرگ انرژی برق آبی ، سالانه با هزینه نیم ملیارد دالر، ازهمسایه هایش برق خریدارنموده وسوچ برق دربیرون از کشور قرار دارد، به همین ترتیب درهنگام انفجار دادن پایه های ولتاژبلندبرق بوسیله همین طالبان به حیث اپوزسیون مسلح، هفته ها شهروندان پایتخت ۵ ملیونی کابل درتاریکی نشسته اند.درحالیکه با همین ۱۰ ملیارددالری که برای خرید برق هزینه گردیده، میتوانستیم بزرگترین بندهای برق اعمار واز ذخایرآب آن دشت های خشک وسوزان کشور مانراسرسبز وحاصل خیزنموده ودرهر دو عرصه یعنی تولیدانرژی وتولیدموادغذایی به خودکفایی برسیم.

افغانستان بعد از دو دهه اشغال و قبل از به حاکمیت رسانیدن امارت سیاه طالبی ،به بازار مصرفی فرآورده های کشورهای همسایه وجهان مبدل گردیده ، طوریکه سالانه درمقابل کمتر از یک ملیارد دالر صادارات ، ۹ ملیارد دالرواردات داشته است، که رقم یک مقابل ۱۰ را میرساند.

شهر۵ملیونی کابل حداقل دارای شبکه کانالزاسیون ، آب صحی آشامیدنی ترانسپورت شهری وجاده های متعارف یک پایتخت نبوده، هوا وآب های زیرزمین آن آلوده وکثیف گردیده ، سالانه سد ها تن به اثر آلوده گی هوا وشیوع امراض ناشی از آن جانهای شانرا ازدست میدهند.

درکشوریکه ۶ دهه تمام اقتصاد پلان شده ی دولتی حاکم بوده وبخش های ترانسپورت، آموزش وپرورش، بهداشت ویا صحت عامه، پست و مخابرات،تهیه انرژی ،واردات شکروبنزین، براساس برنامه ، از طرف دولت آماده ورهبری میگردید. برعلاوه ، اقتصادخصوصی، مختلط وکوپراتیفی عملن ومطابق به قوانین نافذه دربخش های مختلف کشور فعال بود . روی چنین سیستم اقتصادی کارا، خط بطلان کشیده وبجای آن«اقتصاد بازار» را اساس گذاشتن وآنهم اقتصادبازارمدل کشورهای امریکا وغرب که سدهاسال سابقه رشدآرام داشته اند. تحمیل اقتصادبازار درتقابل با منافع و اقتصادی ملی واقع شد.

اقتصادکشور بدست مافیا افتاده ،سرمایه گذاری ملیاردها دالری جهت ایجاد فابریکه ها بخاطر تولید فرآورده های مورد نیازمردم ، درنتیجه عدم مواظبت دولت بوسیله صدورتعرفه های حمایوی گمرکی براموال مشابه خارجی ، عدم ثبات وشرایط امن، اختلال درمنابع انرژی وازجانبی رقابت با اعمال سیاست های اقتصادی دمپنگ بوسیله شرکت های تولیدی خارجی به ورشکستگی مواجه ودرسراسر افغانستان صدها شرکت وفابریکه های تولیدی به رکود مواجه واکثر سرمایه گذاران سرمایه های شانرا به بیرون از کشورانتقال نموده ودرنتیجه لشکر بیکاران در داخل کشورطولانی تر گردیده است.

دولت بخاطر مقابله بانرخ تورم وانفلاسیون وافت ارزش پول افغانی دربرابراسعار خارجی درهرهفته تا ۶ ملیون دالرراازطرف بانک مرکزی دربازار آزاد به فروش رسانیده که البته با قاچاق این پول به کشور های همسایه بخصوص ایران نتوانسته است کارسازباشد، طوریکه نرخ مواد اولیه زندگی بنابر احتکار وتسلط مافیا دربازار،روزتاروزافزایش یافته ومصرف کننده گان توان خرید را از دست میدهند.

دربخش آموزش، درطی دودهه موجودیت ۴۶ کشور جهان وادعای دهها ملیارد دالر کمک های ادعایی شان به تعداد ۵ ملیون کودک واجد شرایط آموزش از رفتن به مکتب محروم مانده ونیمی از مکتب ها بدون سقف بوده ودانش آموزان درشرایط ناگوا اقلیمی هم درفضای باز مشغول فراگیری آموزش بی کیفیت بوده اند.

واشنگتن ادعا داردکه بخاطرمبارزه با کشت، تولید،ترافیک وقاچاق موادمخدرمبلغ ۸ ملیارد دالر راهزینه نموده است، باتاسف و برعکس، مطابق ارقام نشرشده از جانب خودامریکایی ها ونهاد جهانی مبارزه با موادمخدر، ۹۲ درسد موادمخدر تمام جهان درافغانستان وبخصوص درولایت هلمند که در آنجا پایگاه های بزرگ نظامیان امریکا وانگلیس موجود بود، زرع وتولید شده است.سالانه قریب به ۷۵ ملیارد دالرازبابت تجارت آن به جیب مافیای داخلی وخارجی ریخته ویکی از منابع بزرگ تمویل تروریست هابحساب می آید. درحالیکه اگربراساس یک برنامه منظم ،دهقانها حمایت شده و کشت های بدیل چون زعفران وسایر نباتات طبی ارزشمند جاگزین کوکنار میشد ،نام افغانستان از لست تروریزم واولین کشور تولیدکننده مواد مخدر جهان پاک میشد.

چالش بزرگ دیگری بجامانده ازدو دهه اشغال که به حیث یک فاجعه ملی وانسانی ازآن یادآوری نمود، همانا اعتیاد ۳،۵ شهروندان افغانستان شامل جوانان ،زنان وکودکان به مواد مخدرمیباشد که منشا اصلی آنرا قریب به ۵۰ درسد بیکاری وبی روزگاری درکشورتشکیل میدهد. تداوی این همه معتادین که اکثرن از فامیل های شان رانده شده ودر زیر پلها ،میان ویرانه ،پارکها ودرکل درفضای باز زندگی مینمایند، کاریک نسل بوده وحتا یک شفاخانه بزرگ معیاری بخاطرتداوی چنین معتادان وجود ندارد.

امروز که امارت سیاه طالبی برمردم ومیهن ما تحمیل گردیده ، تمام بخش های اقتصاد ،حکومتداری وتامینات اجتماعی بنابربی کفایتی وبی ظرفیتی آنها به رکود مواجه شده ،کارمندان وآموزگاران از ۵ ماه به اینسو نتوانسته اند معاش های ماهوارخودرا بدست آورده، دربانکها پول لازم وجود نداشته ،زنان این نیمی از پیکر جامعه ازاشتغال وآموزش بدورومحصور چهاردیواری های خانه های شان شده اند.

برهمگان روشن است که واشنگتن زیرپوشش شعار های عوامفریبانه ی مبارزه علیه تروریزم، استقراردموکراسی وحمایت از حقوق بشر، درواقعیت امربخاطرتحقق اهداف ژئو استراتیژیک، ژیوپولوتیک وژئوایکونومیک اش درمنطقه به حضور مستقیم اش پرداخته، بنابراینکه ، مطابق ارقام خودشان باهزینه ۲،۳ ترلیون دالری ودرگیر بودن درطولانی ترین جنگ نافرجام درتاریخ امریکا ، به بخشی ازاهداف خود متذکره خودبخصوص درزمینه دوام مقابله و رقابت هایش باچین، روسیه وایران دست نیافته وبخاطرتداوم غارت معادن برنامه هایش تحقق نیافته ، باپخش ونشراخباروگزارش های دروغین وعوامفریبانه به خاطراغفال شهروندان اش پرداخته است ،بخاطرپاسخ به فشار مالیه دهنده گان امریکایی ازیک سو ،توقف تلفات انسانی وهزینه های بزرگ جنگی که کمر واشنگتن راخم کرده است ،ازطرف دیگر،واشنگتن بدون آنکه دوام جنگ وبی ثباتی رادرمنقطه متوقف وادعای کذایی وغیرواقعی ی که گویاجنگ رادربرابرمخلوقات تروریستی اش باخته است، درسیاست های راهبردی اش تغیراتی به وجود آورد .

برمبنای همین تغیرسیاست ، واشنگتن به حیث یک کشور اشغالگربدون حضور حکومت دست نشانده خود شان در کابل، باب مذاکرات مستقیم را با طالبان ،پاکستان وحامیان طالبان از طریق نماینده با صلاحیت اش زلمی خلیل زاد کشوده وقبل براین برای این گروه تروریستی دفتر سیاسی دردوحه بازنمود. واشنگتن رهبران طالبان را با اجرای سفرهای رسمی همراه با پاسپورت های پاکستانی ، به حیث یک نیروی برزگ جنگی وسیاسی به جهان معرفی وحیثیت بخشید. بعد از ۱۸ ماه مذاکرات پیهم ،بتاریخ ۲۴ اپریل ۲۰۲۰توفقنامه صلح دوحه به امضا رسید. توافقنامه دوحه که درپشت درهای بسته میان امریکا وطالبان ودر واقعیت امر میان امریکا وپاکستان به امضا رسید،به جز بخش های محدودآن که همگانی شده ، بیشترین بخش های آن تاهمین دم از آگاهی شهروندان افغانستان که بار خانمان برانداز جنگ را متحمل گردیده ، پنهان باقی مانده وهمگانی نشده است.

براساس بخشی ازتوافقنامه دوحه، امریکا تعهد سپردکه درطی ۱۴ ماه به حضور نظامی شان درافغانستان پایان داده، تمام زندانیان طالبان رابوسیله حکومت افغانستان رها ورهبران شان از لست سیاه شورای امنیت سازمان ملل خارج میسازد.

به همین ترتیب جانب طالبان متعهد شدند که روابط شانرا باسازمان القاعده وسایر تروریستان قطع نموده وهرگزنمی گذارند که خاک افغانستان به حیث منبع تهدید وتجاوزعلیه امریکاودوستان شان مورداستفاده قرارگیرد.طالبان همچنان تعهد کردندکه جنگ وخشونت هارا تخفیف داده،بالای مراکز شهرهای بزرگ حمله نه نموده، باب مذاکرات بین الافغانی را باز وبرسربرنامه آتش بس توافق مینمایند. درنهایت با ادامه مذاکرات آتش بس دایمی برقراروبه پروسه سیاسی پیوسته وشامل حاکمیت همه شمول بعدی میشوند.

واما درعمل چیزی دیگری اتفاق افتاد، درحالیکه حکومت کابل بیشتر از ۶۰۰۰ تن از محکوم شده گان تروریست طالب را از زندانها رها نمود، باوجود آماده گی کابل برای شروع وادامه مذاکرات وفرستادن تیم مذاکره کننده به دوحه، طالبان به وقت کشی های پیهم پراخته وهرگزباب مذاکرات مستقیم واساسی روی یک اجندای منظم را بازننمودند. برعکس نه تنها به کاهش خشونت ها مبادرت نورزیده بلکه به عملیات های مسلحانه و حمله های انتحاری درسراسر کشورشدت وافزایش بخشیدند. چنانچه درطی مدت یکنیم ماه بعد از امضای توافقنامه دوحه ۴۵۰۰ حمله مسلحانه را برعلیه دولت ومردم

افغانستان راه اندازی نموده وقریب به ۱۰۰۰ تن از نظامیان دولت افغانستان را به قتل رسانیدند. طالبان برخلاف متن توافقنامه دوحه به حملات شان بالای شهرک ها (ولسوالی ها)وشهرهای بزرگ باشدت وسرعت تمام ادامه دادند، طوریکه درطی مدت دوماه قریب به اتفاق شهرک ها ومراکز ولایات به شمول کابل پایتخت افغانستان را متصرف شدند.

یک نکته قابل دقت ویاد آوریست ، اینکه واقعیت تصرف شهرک ها، شهرهای بزرگ بشمول پایتخت ۵ ملیونی کابل بدون مدافعه ومقاومت نظامی دولت با موجودیت قوای دفاعی – امنیتی ۳۵۰ هزارنفری صورت گرفت.از همین جاست که پهلوهای پنهان قرارداد دوحه مطرح میشود که براساس آن بنابرتعهد جانب واشنگتن به طالبان ودستور واشنگتن به حاکمان ارگ افغانستان وشخص ریس جمهوراشرف غنی، بایستی دولت وحاکمیت افغانستان بدون مقابله ودفاع ومرحله به مرحله به جانب طالبان سپرده شود.چنانچه مدارک واسنادی وجود دارد که آقای حمدالله محب مشاورارشد امنیتی ریس جمهورغنی وهمچنان شخص اشرف غنی به حیث قوماندان اعلای قوای مسلح بصورت مستقیم به قوماندانهای نظامی تحت امردستور صادر مینموده که بدون حتا شلیک یک مرمی ورها نمودن همه ی سلاح ومهمات نظامی به نفع طالبان عقب نشینی نمایند.درغیرآن چطور ممکن بود که یک حاکمیت دولتی وقوای دفاعی وامنیتی ۳۵۰ هزارنفری مجهز با تسلیحات وتجهزات نظامی ولوژستیکی پیشرفته امرکایی که واشنگتن ارزش مجموعی آنرا ۸۰ ملیارد دالرمعرفی می نماید،از طرف یک ریس جمهور دست نشانده وتحمیلی ،بدون مجوز ودخیل بودن اراده واشنگتن به مشتی از تروریستان تحویل داده شود؟

تسلیم دهی کابل به تروریستان طالب درحالی صورت گرفت که طالبان هنوز در دروازه های کابل قرارداشتند . بازهم دیده میشود که چگونه اشرف غنی بادزدی ۱۶۹ ملیون دالر از خزانه دولت ،درموجودیت بیشتر از ۶ هزار نظامی امریکایی وبازبودن سفارت امریکا درکابل همراه با تیم ۷۰ نفری از بلند پایه گان نظام در ارگ کابل درحالیکه کنترول میدان بین المللی کابل نیززیراداره نظامیان امریکایی است ،باخاطرآرام وبا استفاده از ۴ بال هلی کوپترتا شهر ترمز کشور ازبکستان وازآنجا بوسیله هواپیمای خط هوایی امارات از میهن کشیده میشوند.

اگرکه حتا همین مساله شامل پهلوهای پنهان توافقنامه دوحه نبوده باشد، چگونه واشنگتن تاکنون سکوت مرگبارنموده وحتا یک پرسش توضیحی کوچک را متوجه اشرف غنی ویا سایرمزدورشان نساخته است.

دراخیر میخواهم این سوال را مطرح نمایم که چرا واشنگتن بخاطر ادامه برنامه شیطانی وغارتگرانه اش درمنطقه، رژیم بنیادگرای طالبی را گزیده ، بالاکشیده وبرچنین نوع رژیم قرون وسطی اعتماد وتکیه نموده است؟

پاسخ کوتاه وروشن است وآن اینکه تداوم بی ثباتی وایجاد درد سرهای منطقوی برای رقبای جهانی واشنگتن چون روسیه ، چین و حکومت ولایت فقیه ، رعایت رضایت خاطر شرکا منطقوی شان چون،پاکستان سعودی ها، قطرو امارات را نمیتوان بوسیله یک حکومت سکولارویا راست میانه تحقق بخشید، همین حکومت بنیادگرای طالبی سنی مذهب باحمایت مالی مستقیم سعودی ها، امارت وقطراست که اهداف باقیمانده واشنگتن وشرکا را تحقق بخشیده میتواند وبس.البته که نقش گروه تروریستی داعش که قبل برین درموقعیت های مورد نظربخصوص زون شما وشمالشرق میهن جابجا، تمویل وتجهیز شده اند ، درخور توجه است.

امریکا وشرکا که به ظاهر، بخاطرسرکوب تروریستان، ختم جنگ ،استقراردموکراسی، حمایت از حقوق بشرواعمار یم جامعه انسانی دو دهه مهمان ناخوانده میهن ومردم ما بود،بعد از ۸۰۰ هزار کشته وزخمی وملیونها آواره وبیجاشده ، بابیش از نود درسد شهروندان زیر خط فقرویک کشور ویران ، به اشغال مستقیم اش نقطه پایان گذاشته ،ولی باهزاران دریغ ودردکه میهن ومردم جنگزره مارا تسلیم اژدهای چندسرتروریزم، بنیادگرایی اسلامی، تجاوز وخشونت ،عقبگرایی، تاریک اندیشی وحاکمیت قرون وسطی بنام «امارت سیاه طالبی»وحامیان پاکستانی اش نمود!؟...

درنهایت آنچه گفته آمدیم ،یک مساله چون آفتاب روشن وآن اینکه جنگ جاری درافغانستان ،جنگ بیگانه گان وخارجی هابوده واما بادریغ ودرد این مردم عقب نگهداشته شده ماست که کوله باراین جنگ فرسایشی رابرشانه های ناتوان شان حمل نموده وبه حیث مواد سوخت وگوشت دم توپ مورد استفاده ابزاری قرارداده شده ومیشوند!؟.

دستان ناپاک تجاوز ، اشغال وغارت امپریالیستها، شرکای جهانی ومنطقوی و مخلوقات تروریستی دروجود امارت متحجر وسیاه طالبی شان از سرنوشت مردم جنگزده وعذاب کشیده ما کوتاه!

دسمبر ۲۰۲۱

ح «حریف » – آلمان

www.hoqooq.eu